

# سالمندان را آزار می دهند؛ چگونه شکایت کنم؟

Photo: budabar/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام!

من تا چند ماه قبل در یک خانه سالمندان کار می کردم و متأسفانه شاهد اتفاق های خیلی بدی بودم. چند نفر از کارکنان آن مرکز با سالمندان رفتار خیلی بدی داشتند و مرتباً آنها را تحقیر می کردند. حتی پیش خودشان آنها را مسخره می کردند و می خندیدند. یا اینکه بعضی هایشان که خودشان نمی توانستند به توالت بروند را ساعت ها به سرویس بهداشتی نمی بردند و در خیلی موارد این سالمندان در تختشان ادرار می کردند.

چند بار شاهد ضرب و جرح این سالمندان به دست کارکنان بودم. البته فقط سه نفر این طور بودند و بقیه خیلی خوب رفتار می کردند که یکی از این سه نفر هم به دلیل بد رفتاری از مرکز اخراج شد. مثلاً یادم است که داروهای یک سالمند را ساعت ها ندادند و این سالمند تشنج کرد. به خصوص با سالمندانی که بی کس و کار بودند خیلی بد رفتاری می کردند.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

من و بعضی همکارها هم چند بار به مدیر گفته بودیم اما مدیر چندان توجهی نمی کرد و می گفت مدرک بیاورید. بعدها من یک کار جدید پیدا کردم و از آنجا بیرون آمدم. چند وقت پیش یکی از دوستانم را دیدم که ایشان گفت باز هم بد رفتاری شده و ایشان یک فیلمی هم گرفته اند که نشان می دهد یکی از کارکنان به یک سالمندی فحش می دهد و او را روی تخت پرتاب می کند و می گوید که اگر آدم بودید بچه هایتان شما را ول نمی کردند!

خلاصه دوستم به من پیشنهاد داد که برویم شکایت کنیم و گفت چون او هنوز کارمند آنجاست، من اقدام کنم.

می خواستم از شما راهنمایی بخواهم که از کجا باید شروع کنیم و چه طور شکایت کنیم؟

**جواب:**

سلام!

قبل از شکایت یا اعلام جرم بهتر است فرزندان آن سالمند و دیگر سالمندانی که مورد بد رفتاری قرار گرفته اند را پیدا کنید و با آنها صحبت کنید. به هر حال ممکن است فرزندان راحت تر بتوانند اقدام قضایی کنند.

اگر چنین امری مقدور نشد بهتر است یک گزارش از وقایعی که دیده اید، همراه فیلم تهیه کرده و آن را به سازمان بهزیستی بدهید چون مراکز نگهداری سالمندان از بهزیستی مجوز می گیرند.

بهتر است شفاها هم با مدیران مربوط در سازمان بهزیستی صحبت کنید. سازمان بهزیستی خود موظف است اقدامات لازم را انجام دهد.

برای شکایت کیفری اما عرض شود اگر مساله صرفاً توهین و تحقیر و ضرب و جرح است، شما فقط می توانید مساله را به دادستان گزارش دهید. یعنی چون در این موارد نیاز به شکایت شاکی خصوصی یا وکیل اوست، با شکایت اشخاص دیگر موضوع رسیدگی نمی شود. اما به هر حال می توانید گزارش خود را به دادستان بدهید.

**سوال:**

آیا در این مورد می توانیم از وکیل معاضدتی استفاده کنیم؟

**جواب:**

همان‌طور که توضیح دادم چون شما سمتی در این قضیه ندارید، اگر وکیل هم بگیرید ایشان هم نهایتاً می‌تواند گزارش بدهد. اما سالمندانی که مورد خشونت قرار گرفته‌اند، صلاحیت شکایت و دادن وکالت دارند. بنابراین بهترین کاری که شما می‌توانید انجام دهید مراجعه به سازمان بهزیستی و گزارش تخلف و همچنین ارسال گزارش به دادستانی است.

### سوال:

خب اگر گزارش بدهم ترتیب اثر داده می‌شود و آیا این کارکنان متخلف مجازات می‌شوند؟

### جواب:

در مورد گزارش به بهزیستی که قطعاً با مرکز برخورد شده و امکان جریمه یا تعلیق پروانه وجود دارد. امکان اخراج کارکنان خشونت‌گر از مرکز هم وجود دارد.

در مورد مجازات کیفری عرض شود اگر سالمندان زیان دیده شکایت کنند، مساله وارد اثبات کردن می‌شود و این فیلمی که دوست شما دارد، می‌تواند کمک کند اما چون برای ضرب و جرح مدارک زیادی وجود ندارد، ممکن است ضرب و جرح اثبات نشود.

مسائل دیگر همچون ندادن دارو هم بسیار سخت قابل اثبات است. با وجود این، به هر حال راهکار حقوقی باید تا آخر طی شود و اگر این راهکارها جواب ندهد، می‌توانید فیلمی را که دارید در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی منتشر کنید تا توجه افکار عمومی به این مساله جلب شود. یعنی لزومی هم ندارد بعد شکایت این فیلم پخش شود و هم‌اکنون نیز انتشار آن خالی از فایده نخواهد بود.

بیشتر بخوانید:

[شوهرم می‌خواهد از مهریه فرار کند](#)

[اعتیاد برادر؛ پدرم را چگونه به کمک کردن واداریم؟](#)

[سوء معاشرت زوج: راه نجات چیست؟](#)

پیشنهاد دیگر ما این است که مساله را به سازمان‌های مردم‌نهادی که مرتبط با سالمندان هستند گزارش دهید.

بر اساس ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری، «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساس‌نامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.»

به هر حال در سطح کشور سازمان‌های زیادی هستند که زمینه فعالیت آنها سالمندان یا مبارزه با خشونت است. این سازمان‌ها طبعاً امکانات بیشتری دارند و بهتر می‌توانند مساله را پیگیری کنند.

### سوال:

با وضعیتی که شما توضیح دادید به نظر می‌رسد قوانین خاصی در مورد سالمندان وجود ندارد. یعنی برای سالمندان هم باید تشریفات قضایی را طی کرد؟

### جواب:

بله! متأسفانه چنین است.

حقوق ایران در مورد خشونت علیه افراد ناتوان از جمله سالمندان مقررات ویژه‌ای پیش‌بینی نکرده است. خشونت علیه سالمند در قالب مقررات عمومی بررسی می‌شود و این در حالی است که سیاست‌گذاری کیفری اقتضا می‌کند برای پیشگیری از خشونت علیه ناتوانان مقررات ویژه و سخت‌گیرانه‌تری پیش‌بینی شود.

از آنجا که سالمند معمولاً فردی است ناتوان در دفاع از خود و نسبت به دیگران بالقوه راحت‌تر مورد سوء استفاده قرار می‌گیرد، لازم است مجازات مرتکبین خشونت نسبت به سالمند، به طور خاص مورد نظر قرار گرفته و ساز و کار حقوقی متناسبی برای رسیدگی به پرونده‌های خشونت علیه سالمندان پیش‌بینی شود.

# اعتیاد برادر؛ پدرم را چگونه به کمک کردن واداریم؟

Photo: stetsik/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

## سوال:

با سلام!

بنده در مورد برادر کوچک‌ترم سوال داشتم.

خدمتتان عرض شود ما سه خواهر و یک برادر هستیم. برادر کوچک‌تر مجرد و ۷۲ ساله است. ایشان خیلی پسر خوب و باادب و درس‌خوانی بود اما متأسفانه به دلایلی در دام اعتیاد افتاد و الان دو سال است که شیشه مصرف می‌کند.

بعد از گرفتن لیسانس نتوانست کار درست حسابی پیدا کند و هر کاری هم که راه انداخت، شکست خورد. یک مساله عاطفی هم وقتی دانشجو بود داشت که به دلایلی از جمله مخالفت پدرم و خانواده دختر، به سرانجام نرسید و این مساله هم درگیرش کرد.

سه سال پیش مادرمان فوت کرد و این امر روحیه برادرم را بیشتر به هم ریخت. خلاصه خیلی از عوامل و دوست‌های نابابش دست به دست هم دادند تا ایشان معتاد شد. من با شوهرم خیلی سعی کردیم کاری کنیم ترک کند اما متأسفانه پدرم همکاری نمی‌کند. پدرم شخصی است بسیار عصبانی و خشن که این برادرم را به قصد کشت می‌زند. همه جا می‌گوید من پسر ندارم و اگر این پسر بمیرد گوسفند قربانی می‌کنم و از این حرف‌ها.

این رفتار پدرم باعث می‌شود برادرم مرتب خانه را ترک کند و پیش دوست‌های معتادش برود. به پدرم می‌گوییم هزینه مراکز ترک اعتیاد را بده اما قبول نمی‌کند و می‌گوید آدم معتاد باید بمیرد. چند وقت پیش برادرم را آن‌قدر زده که یکی از دنده‌هایش شکسته است. متأسفانه من هم شرایط لازم برای نگهداری ایشان را ندارم چون در خانه پدرشوهر زندگی می‌کنیم. خواهرهای دیگر هم وضعیت مشابه من را دارند.

می‌خواستم بپرسم چه راه حقوقی‌ای وجود دارد برای اینکه پدرم مجبور شود هزینه‌های ترک اعتیاد برادرم را تامین کند؟ چه‌طور می‌توانیم جلوی این رفتار پدر را بگیریم؟

## جواب:

سلام خانم محترم!

متأسفانه اعتیاد معضلی است که یکی از عوامل پدیدآورنده خشونت خانگی نیز هست. نگاه بیشتر افراد جامعه به فرد معتاد به گونه‌ای است که این فرد را مجرم می‌دانند و اعتقادی ندارند که یک فرد دارای اعتیاد می‌تواند بیمار باشد.

به هر حال از نظر حقوقی نمی‌توان پدرتان را مسئول پرداخت هزینه ترک اعتیاد برادرتان دانست.

مطابق ماده ۴۰۲۱ قانون مدنی، «نفقة اقارب عبارت است از مسکن و البسه و غذا و اثاث البیت به‌قدر رفع حاجب با در نظر گرفتن درجه استطاعت منفق.»

همان‌طور که از این ماده پیداست، هزینه‌های ترک اعتیاد از مایحتاج ضروری محسوب نمی‌شوند. ضمن اینکه بر اساس رویه قضایی شکل گرفته، فرزندان پسر بعد از سن ۸۱ سالگی از سن نفقه خارج شده و خود موظف به پرداخت هزینه‌های خویش هستند و به همین دلیل راهکار حقوقی برای اجبار پدرتان به تامین هزینه مرکز ترک اعتیاد وجود ندارد.

در مورد ضرب و شتم اما عرض شود که بر اساس قوانین ایران، ضرب و جرح جرم بوده و برادرتان بابت این رفتار پدر حق شکایت دارد و اگر قضیه ثابت شد، پدرتان به دیه محکوم می‌شود.

ایشان یا خودش یا از طریق یک وکیل دادگستری باید اقدام به شکایت کند اما به نظر می‌رسد که وضعیت مالی اجازه استفاده از وکیل را ندهد و خود ایشان هم با توجه به وضعیتی که دارد، شاید قادر به پیگیری پرونده نباشد.

یک راه دیگر این است که وقتی پدرتان اقدام به ضرب و جرح می‌کند به پلیس خبر بدهید که در این صورت هم بسیاری از افراد دارای اعتیاد از ترس اینکه خودشان هم دستگیر شوند، چنین اقدامی نمی‌کنند.

**سوال:**

پس با این توضیح شما یعنی برادرم همین‌طور باید رنج بکشد؟

**جواب:**

برخی سازمان‌ها، مراکز و کلاس‌هایی برای ترک اعتیاد دارند که رایگان هستند. می‌توانید از این مراکز استفاده کنید یا اینکه دوستان و آشنایان جمع شده و ماهانه هزینه‌ای برای ترک اعتیاد ایشان صرف کنید. به هر حال برادران در آن خانه امنیت ندارد و لازم است هر چه زودتر به یک جای امن منتقل شود. وضعیتی که پدرتان در خانه ایجاد کرده است، آسیب بیشتری به او وارد می‌کند.

**سوال:**

یک مساله دیگر اینکه نصف خانه‌ای که الان پدرم می‌نشیند به نام مادرم بود و ما بعد از فوت مادرم دیگر به احترام پدرمان حرفی نزدیم، اما الان که برادرم احتیاج به ترک دارد و پدرم هزینه آن را نمی‌دهد به فکر افتادیم تا سهم الارث خود برادرم را خرج درمان کنیم. در عین حال اما نمی‌توانیم پول را به خود برادرم بدهیم چون می‌رود خرج مواد می‌کند. ضمناً پدرم اصلاً راضی نمی‌شود سهمی به فرزندان بدهد.

سوالم این است که اولاً چه‌طور می‌توانیم سهممان را بگیریم و ثانیاً آیا راهی هست که مسئول سهم الارث برادرم، من باشم؟

**جواب:**

شما ابتدا باید با مراجعه به شورای حل اختلاف گواهی انحصار وراثت بگیرید و سپس دادخواست تقسیم ترکه بدهید. اگر پدرتان موافق نباشد، دادگاه خانه را به مزایده گذاشته و به فروش می‌رساند و مبلغ آن را بین وراثت بر اساس سهم الارثشان تقسیم می‌کند.

اصولاً سهم الارث هر شخص به خود او داده می‌شود اما شما دو راه دارید برای اینکه سهم الارث برادران را در اختیار داشته باشید:

اولین راه این است که در دفترخانه اسناد رسمی از ایشان یک وکالت مبنی بر اداره سهم الارث و دریافت و هزینه کرد آن بگیرید و دوم اینکه تقاضای صدور حکم حجر برای برادران بدهید که راه دوم دشوار است و چون پدرتان در قید حیات است، به احتمال بسیار ایشان به عنوان ولی قهری اختیار سهم الارث پسرش را در اختیار خواهد داشت، مگر اینکه بتوانید عدم صلاحیت او را به اثبات برسانید.

راه اول بهتر است و نیازی به تشریفات قضایی ندارد.

## شوهرم می‌خواهد از مهریه فرار کند

Photo: S1photography/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام! خسته نباشید!

من خانمی هستم ۱۴ ساله و صاحب دو فرزند که ۸۱ سال قبل ازدواج کرده‌ام. در این ۸۱ سال مشکلات خیلی زیادی با شوهرم داشته‌ام.

من شاغل هستم اما تمام حقوق دست ایشان بوده و هر طور خواسته خرج کرده است. با وجود این همیشه هم از من طلبکار بوده.

من مجبور هستم علاوه بر کار در بیرون، تمام کارهای خانه را هم انجام بدهم. ایشان به دلیل اینکه من کس و کاری ندارم و فقط مادرم هست که ایشان هم به دلیل پیری نمی‌تواند از من حمایت کند، من را مورد سوء استفاده قرار داده است. وقتی می‌گویم چرا حقوقم را می‌گیری، می‌گوید این کار را من برای تو پیدا کردم و من مسئول خانواده هستم.

ایشان به هر بهانه کوچکی به من فحش می‌دهد و بی‌احترامی می‌کند. تا حالا بیشتر از ۰۱ بار جلوی بچه‌ها من را کتک زده است طوری که صورتم کبود شده.

### عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.

من به خاطر بچه‌هایم و اینکه جایی برای رفتن ندارم تحمل کرده‌ام اما دیگر تصمیم خود را برای طلاق گرفته‌ام. بچه‌هایم دختر هستند و بیشتر از ۲۱ سال دارند. آنها هم می‌خواهند با من باشند. مهریه من ۴۲۱ سکه بهار آزادی است. چند وقت پیش به ایشان گفتم که می‌خواهم طلاق بگیرم. حقوق این ۸۱ سالی را که به تو دادم برگردان و توافقی طلاق بگیریم اما گفت که امکان ندارد. تهدیدش کردم که اموال را توقیف می‌کنم اما ایشان گفت اگر مهریه‌ات را به اجرا بگذاری اموال را به نام شخص دیگری می‌کنم.

واقعیتش من الان هیچ پول و اموالی ندارم و اگر جدا بشوم با مشکلات اقتصادی زیادی روبه‌رو خواهم شد و به همین دلیل می‌خواهم مهریه‌ام را بگیرم.

آیا ایشان می‌تواند اموالش را به نام دیگری بکند و مهریه من را ندهد؟ می‌خواستم بدانم چه کار می‌توانم بکنم تا ایشان نتواند اموالش را به نام دیگری بکند؟

### **جواب:**

سلام خانم محترم!

بر اساس قانون مدنی ایران زن به محض وقوع عقد مالک مهریه می‌شود و می‌تواند آن را مطالبه کند. قوانین هم برای چگونگی مطالبه مهریه راهکارهایی را پیش‌بینی کرده‌اند. از جمله این راهکارها این است که اگر شوهر با وجود مطالبه از طرف زن مهریه را پرداخت نکند، زن می‌تواند اموال شوهر را معرفی کرده و خواستار توقیف آنها شود. در صورتی که این اموال بلا مانع بوده و از مستثنیات دین محسوب نشود، دادگاه اموال را به مقدار مهریه زن توقیف می‌کند.

در این میان ممکن است شوهر برای عدم پرداخت مهریه اموال خود را به فرد دیگری منتقل کند تا زن نتواند آنها را توقیف کند که اگر ثابت شود این انتقال صوری بوده و به قصد فرار از دین صورت گرفته، باطل بوده و انتقال دهنده به مجازات محکوم می‌شود.

بر اساس ماده ۸۱۲ قانون مدنی ایران، «هر گاه معلوم شود معامله با قصد فرار از دین به طور صوری انجام شده، آن معامله باطل است.»

بر این اساس از آنجا که مهریه نیز نوعی دین است، اگر ثابت شود که شوهر به دلیل فرار از پرداخت مهریه به طور صوری اموال خود را به دیگری منتقل کرده است، آن معامله باطل خواهد بود.

بیشتر بخوانید:

### تکلیف جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج

### سوء معاشرت زوج: راه نجات چیست؟

### ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن

در این مورد لازم است قربانی با ارائه دادخواستی خواهان ابطال معامله شود. در صورتی که دادگاه دعوی را بپذیرد، حکم به بطلان معامله داده و اموال شوهر دوباره تحت مالکیت خود او قرار می‌گیرد و زن خواهد توانست این اموال را در صورت نبود مانع، توقیف کند.

البته قابل ذکر است اثبات اینکه معامله به قصد فرار از دین و صوری بوده است، چندان آسان نیست. همچنین در این مورد اختلاف‌هایی در رویه قضایی وجود دارد. بسیاری از قضات معتقدند گرچه مهریه نوعی دین است، اما قبل از مطالبه آن توسط زن نمی‌توان اثبات کرد که انتقال به دلیل فرار از پرداخت مهریه بوده است بلکه معامله صوری به قصد فرار از مهریه زمانی محقق می‌شود که زن مهریه خود را مطالبه کرده و سپس مرد اموالش را به دیگری منتقل کند.

به عبارتی، برخی معتقدند قبل از انتقال اموال از سوی شوهر، زن باید از طریق اظهارنامه یا مراجعه به اداره ثبت یا دادگاه، مهریه خود را مطالبه کرده باشد تا بتواند انتقال صوری را ابطال کند.

به همین دلیل بهتر است شما هر چه سریع‌تر به اداره ثبت اسناد و املاک محلی که ملک واقع شده است بروید و با معرفی اموال شوهرتان مهریه خود را مطالبه کرده و خواهان توقیف اموال شوید. در این صورت ایشان دیگر نمی‌تواند اموالش را به قصد ندادن مهریه به فرد دیگری منتقل کند و اگر این کار را بکند، مجازات حبس خواهد داشت. ضمن اینکه انتقال هم باطل خواهد شد.

#### سوال:

می‌توانم بپرسم مجازات این کار چیست؟

#### جواب:

بر اساس ماده ۱۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، مصوب سال ۲۹۳۱، «انتقال مال به دیگری به هر نحو به وسیله مدیون با انگیزه فرار از ادای دین به نحوی که باقی‌مانده اموال برای پرداخت دیون کافی نباشد، موجب حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه شش یا جزای نقدی معادل نصف محکوم به یا هر دو مجازات می‌شود و در صورتی که منتقل‌الیه نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد، در حکم شریک جرم است. در این صورت عین آن مال و در صورت تلف یا انتقال، مثل یا قیمت آن از اموال انتقال‌گیرنده به عنوان جریمه اخذ و محکوم به از محل آن استیفا خواهد شد.»

#### سوال:

شما فرمودید اموال به جز مستثنیات دین قابل توقیف است. این یعنی چه؟ ضمناً آیا می‌توانم به جز مهریه حقوق ماهانه خود را که در طی ۸۱ سال به ایشان داده‌ام، پس بگیرم؟

#### جواب:

مستثنیات دین یعنی اموالی که به دلیل دین قابل توقیف نیست. مثل یک خانه معمولی. یعنی اگر شوهرتان فقط یک خانه معمولی داشته باشد یا ماشینش ماشین کار باشد، شما نمی‌توانید آنها را بابت مهریه توقیف کنید اما حساب بانکی شوهرتان را می‌توانید توقیف کنید.

به هر حال اگر در نهایت اموال ایشان قابل توقیف نباشد و ایشان ادعای ناتوانی مالی کند و دادگاه بپذیرد، مهریه قسط بندی خواهد شد.

در مورد حقوق ۸۱ سال شما عرض شود اگر بتوانید اثبات کنید این پول‌ها را به شوهرتان بابت قرض داده‌اید می‌توانید آنها را نیز مطالبه کنید. این مساله ارتباطی به دادگاه خانواده و اداره ثبت ندارد و شما باید در دادگاه حقوقی دادخواست مطالبه وجه مطرح کنید. ضمناً توجه کنید در صورت وقوع طلاق، نفقه فرزندان بر عهده پدرشان خواهد بود.

## تجاوز در رابطه همسری

موسی برزین - پژوهشگر حقوق

اجبار به رابطه زناشویی یکی از موضوعاتی است که در چند سال اخیر مورد توجه کنشگران حوزه خشونت خانگی قرار گرفته است. این کنشگران معتقدند شوهر به هیچ وجه نمی‌تواند همسر خود را مجبور به هم‌خوابگی با خود کند، زیرا اجبار به رابطه جنسی حتی از سوی شوهر برخلاف آزادی بدن زن بوده و این نوعی تجاوز است. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته غربی این اجبار جرم‌انگاری شده و با ضمانت اجرای کیفری و مدنی همراه است.

«سابقه قانونگذاری و جرم‌انگاشتن» تجاوز در بستر زناشویی «به دهه هفتاد میلادی بر می‌گردد. سال 1975 برای اولین بار قانون ممنوعیت تجاوز زناشویی در ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا تصویب شد. پیش از این بر اساس آموزه‌های دین مسیحیت شوهر به دلیل

و ادار کردن همسر قانونی خود به برقراری رابطه جنسی مقصر شناخته نمی‌شد، زیرا فرض بر آن بود که زن و مرد با عقد ازدواج بر مقاربت جنسی توافق کرده‌اند. سال ۳۹۹۱ میلادی هر ۰۵ ایالت آمریکا تجاوز زناشویی را جرم دانستند. سال ۶۰۰۲ دبیرکل سازمان ملل از پیگرد قانونی تجاوز زناشویی در ۴۰۱ کشور خبر داد(1).

## ماهیت ازدواج در فقه اسلامی

حقوق ایران در مسائل زناشویی ریشه در فقه اسلامی دارد. اسلام ماهیت ازدواج را به شکل نوعی معامله می‌بیند که در آن، زن در قبال در اختیار قرار دادن خود به مرد مالی را به عنوان مهریه و نفقه دریافت می‌کند. در رابطه ازدواج، مفهوم تمکین به معنای وظیفه زن در تامین نیاز جنسی مرد است. بر اساس موازین اسلامی زن باید هر وقت که مرد بخواهد آماده رابطه جنسی با شوهرش باشد. از سوی دیگر آن مرد موظف به پرداخت مهریه و مخارج زندگی زن است.

نکاح بدون وجود یک رابطه جنسی و بدون پیش‌بینی مهریه امکان‌پذیر نیست. در خطبه عقدی که بین زن و مرد خوانده می‌شود، زن جملات ایجابی به کار برده و مرد آن را قبول می‌کند. زن بیان می‌کند که خودم را در برابر مبلغ معین مهریه به عقد تو در می‌آورم و مرد می‌گوید قبول می‌کنم. از نظر بیشتر فقیهان اسلامی وجود رابطه جنسی ضرورت ذات عقد است. یعنی هدف اصلی از عقد ازدواج رابطه جنسی بین زن و مرد است تا جایی که اگر دو طرف شرط کنند که رابطه جنسی بین زن و شوهر وجود نداشته باشد، هم این شرط باطل است و هم عقد نکاح باطل می‌شود.

شرط عدم وجود مهریه نیز امکان‌پذیر نیست. گرچه این شرط خود باطل است اما عقد نکاح را باطل نمی‌کند. اما به هر حال مهریه ضروری عقد نکاح است. البته زن می‌تواند تا قبل از دریافت مهریه از رابطه جنسی با مرد پرهیز کرده و به اصطلاح از حق حبس استفاده کند. در قرآن نیز مقرراتی در مورد شیوه تنبیه زن در صورت تمکین نکردن و حاضر نشدن به رابطه جنسی آمده است.(2)

موارد بالا نشان می‌دهد که در فقه اسلامی هم‌خوابگی با شوهر یکی از وظایف زن است و زن نمی‌تواند به خواست خود از آن خودداری کند. شوهر هم در برابر این وظیفه زن باید هزینه زندگی همسر خود را پرداخت کند. به همین دلیل اگر در قوانین ایران زنی حاضر به هم‌خوابگی با شوهر خود نشود، ناشزه یعنی نافرمان محسوب شده و نفقه او ساقط خواهد شد. همچنین مرد می‌تواند با مراجعه به دادگاه تقاضای الزام زن به تمکین را ارائه دهد و اگر الزام میسر نشد می‌تواند اجازه ازدواج دوم را از دادگاه بگیرد.

بیشتر بخوانید:

[تکلیف جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج](#)

[ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن](#)

[تهدید به انتشار تصاویر «مبتدل» یا «مستهجن»: جاره چیست؟](#)

## تجاوز در بستر زناشویی

بررسی این مقررات نشان می‌دهد که حقوق ایران معتقد به موضوعی به عنوان اجبار به رابطه جنسی و یا تجاوز زناشویی در رابطه بین زن و شوهر نیست. هیچ حمایت مدنی و کیفری از زنی که بدون وجود مشکلی خواهان ارتباط جنسی با شوهر خود نیست وجود ندارد. گرچه برخی از حقوقدانان معتقدند که به استفاده از ماده 1115 قانون مدنی می‌توان گفت در صورتی که اجبار شوهر به رابطه جنسی سبب ضرر بدنی یا شرافتی برای زن شود، زن می‌تواند خانه مشترک را ترک کرده و در مسکن دیگری سکونت کند. اما این ماده شامل مواردی که وظایف زن شمرده می‌شود را در برنمی‌گیرد. بر اساس مطالب گفته شده اطاعت از شوهر برای برقراری رابطه جنسی از وظایف زن است و زن نمی‌تواند برای فرار از انجام وظیفه به ماده 1115 استناد کند. البته اگر مرد خواهان رابطه جنسی نامتعارف و خشن باشد زن می‌تواند از انجام آن خودداری کند. اما یک رابطه معمولی و متعارف شامل ماده مذکور نخواهد شد.

مقررات مورد اشاره می‌تواند زمینه‌ساز خشونت خانگی علیه زن شود. سن ازدواج در ایران بسیار پایین است و آمار ازدواج کودکان دختر در ایران بالا است. از سوی دیگر با توجه به شرایط فرهنگی جامعه ایران به خصوص در مناطق سنتی تر درمی‌بینیم که تحمیل رابطه جنسی ناخواسته به زن می‌تواند موجب اثرات جبران‌ناپذیری شود. دختری که در سن پایین بدون رضایت خود به ازدواج مردی درآمده است و یا زنی که پشتوانه اقتصادی ندارد و نمی‌تواند به تنهایی هزینه زندگی را تامین کند، در نهایت مجبور می‌شود به این رابطه تن دهد و این پیامدهای روحی و روانی بسیاری ایجاد می‌کند.

بنا بر این لازم است قوانین موجود بازنگری شود. قانون باید سیاست‌های حمایتی از زنانی که قربانی خشونت شده‌اند و نمی‌خواهند در کنار شوهر خود زندگی کنند را پیش بینی کند. همچنین وظیفه زن مبنی بر تمکین خاص از شوهر در برابر نفقه را حذف کند.

البته در ممنوعیت تجاوز زناشویی باید دقت کرد که پرهیز همیشگی از رابطه جنسی با همسر آثار منفی به همراه خواهد داشت. زندگی زناشویی بدون وجود هیچ‌گونه رابطه جنسی شاید معنا و مفهوم چندانی نداشته باشد. به همین دلیل اگر یک طرف هیچ‌گاه حاضر به رابطه جنسی با دیگری نباشد، قانون باید برنامه‌ای برای حمایت از زوج دیگر پیش‌بینی کند. در وضعیت فعلی حقوق ایران نمی‌توان بدون تغییر دیگر مقررات تنها وظیفه زن مبنی بر تمکین خاص از شوهر را به طور کلی حذف کرد. اگر بخواهیم مساله ممنوعیت تجاوز زناشویی را وارد قانون کنیم باید در برخی مقررات دیگر هم تغییراتی داد.

.....

### [تجاوز در بستر زناشویی و سکوت قانون](#)

آیه 34 سوره نساء: بر اساس این آیه مرد می‌تواند همسرش را به دلیل عدم اطاعت تنبیه کند.

## [سوء معاشرت زوج: راه نجات چیست؟](#)

Photo: TheVisualsYouNeed/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام!

در مورد یکی از دوستانم سوالی داشتم. یک دوستی دارم که ۶ سال پیش با یک مردی که همسرش را طلاق داده بود ازدواج کرد. ازدواجش هم بیشتر به این دلیل بود که در خانه خودشان مرتب از سوی پدر و برادرش آزار و اذیت می‌شد. یعنی به دلیل فرار از آن شرایط حاضر به ازدواج با مردی شد که یک دختر ۵ ساله هم داشت.

این دختر با پدرش زندگی می‌کرد. بعد از ازدواج ایشان هم فرزنددار شد و الان دخترش ۴ ساله است. ضمن اینکه ایشان اکنون هم ۴ ماهه حامله است.

شوهر این آقا اقدام به مصرف حشیش می‌کند و به هیچ وجه توجهی به خانواده خود ندارد. اینها در شرایط اسفناکی در یک خانه مخروبه در حاشیه شهر زندگی می‌کنند. خانم خودش در خانه این و آن کار می‌کند و یک درآمد اندکی به دست می‌آورد. معمولاً از سالمندان نگهداری می‌کند. چون بچه کوچک دارد و باردار هم هست این برایش خیلی سخت است. دختر شوهرش هم که الان ۱۱ ساله است مراعات حال او را نمی‌کند و با دوست من بدرفتار است و وقتی دوستم به او حرفی می‌زند، به پدرش می‌گوید و پدرش هم دوست من را کتک می‌زند.

درآمدی را که خانم کسب می‌کند، شوهرش به زور از او می‌گیرد و خرج خوشگذرانی می‌کند. هر روز هم این دوست بیچاره من را کتک می‌زند و می‌گوید اگر نمی‌خواهی، بچه‌ها را بگذار برو. خلاصه در وضعیت خیلی بدی هستند.

من چندین بار به او گفته‌ام که طلاق بگیر اما نگران بچه‌هایش است و می‌گوید که شوهرش بچه‌ها را می‌گیرد. با توجه به اینکه آن دخترش را هم از همسر سابقش گرفته این ترس در دوست من وجود دارد. خلاصه ما راهنمایی می‌خواهیم که چه کار باید بکنیم؟ آیا جایی هست که ایشان بچه‌ها را بردارد و برود؟



## جواب:

سلام خدمت شما!

عرض شود که سازمان بهزیستی در برخی نقاط خانه‌های امنی دارد که برخی خانم‌ها و کودکان آسیب‌دیده را تحت شرایطی اسکان می‌دهند. بنابراین بهتر است ایشان با اورژانس اجتماعی تماس گرفته و متقاضی اسکان در این خانه‌ها شود.

با توجه به مواردی که شما گفتید، زندگی خانم در خانه مشترک با شوهر تبعات بدی خواهد داشت. به همین دلیل ایشان باید به نحوی یک مکان امن برای خود و بچه‌ها پیدا کرده و خانه را ترک کند و پس از ترک خانه ایشان می‌تواند اقدام به طلاق و درخواست حقوق مالی خود بکند.

بر اساس قوانین، ضرب و جرح و بدرفتاری از جمله مواردی است که برای خانم حق طلاق ایجاد می‌کند. همچنین است در مورد ترک نفقه. چون شوهر ایشان هزینه‌های زندگی خانم و بچه‌ها را نمی‌دهد، ایشان می‌تواند به این دلیل نیز تقاضای طلاق کند. این موارد از جمله مصادیق عسر و حرج است و دوست شما می‌تواند مهریه خود را هم به اجرا بگذارد.

با توجه به اینکه به نظر می‌رسد وضعیت مالی شوهر خوب نیست، دادگاه نهایتاً مهریه را قسط بندی خواهد کرد. ضمن اینکه توجه کنید نفقه فرزند در هر حال باید از طرف پدرش پرداخت شود. با مبلغ مهریه و نفقه کودک و همچنین درآمد اندک خانم شاید امکان این باشد که خانم خانه مستقلی برای خود تدارک دیده و در آنجا زندگی مستقلی داشته باشد.

## سوال:

یک ترسی که ما داریم این است که اگر دوست من به خانه امن برود، بچه‌ها را از ایشان بگیرند. آیا این درست است؟

## جواب:

در این مورد نمی‌توان قطعاً نظری داد زیرا سازمان بهزیستی زمانی کودکی را می‌گیرد که یا فاقد سرپرست باشد یا اینکه سرپرستش صلاحیت‌های لازم را نداشته باشد.

در مورد دوست شما با توجه به اینکه فرزند دارای پدر و مادر است، در صورتی بهزیستی می‌تواند او را از پدر و مادرش جدا کند که کودک بد سرپرست شناخته شود و این امر فقط با حکم دادگاه امکان‌پذیر است.

البته توجه کنید اگر هم چنین شود این بدین معنی نیست که فرزند کلاً از مادرش جدا خواهد شد بلکه مادرش می‌تواند او را ملاقات کند و در صورت داشتن شرایط لازم، برای نگهداری دوباره فرزند، از دادگاه تقاضا کند تا حکم بد سرپرستی ابطال شود.

البته توجه کنید دوست شما از هر لحاظ صلاحیت نگهداری فرزندش را دارد و اگر بتواند درآمد اندکی داشته باشد، دادگاه به هیچ وجه حکم به بد سرپرستی نخواهد داد.

مساله دیگری که باید به آن توجه شود این است: چون پدر بچه زنده است و اگر ایشان مشکل خیلی حادی مانند اعتیاد نداشته باشد، دادگاه حکم به بد سرپرستی نخواهد داد.

بیشتر بخوانید:

[تکلیف جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج](#)

[ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن](#)

[تهدید به انتشار تصاویر «مبتذل» یا «مستهجن»: چاره چیست؟](#)

## سوال:

اگر بتواند طلاق بگیرد آیا دادگاه بچه‌ها را به او می‌دهد یا پدرشان به یک طریقی می‌تواند بچه‌ها را از او بگیرد؟

## جواب:

بر اساس قوانین، حضانت فرزند تا ۷ سالگی بر عهده مادر و پس از آن با پدر است مگر اختلاف حاصل شده و دادگاه، تصمیم دیگری بگیرد.

یعنی اگر پدر بچه‌ها معتاد بوده یا از لحاظ مالی توانایی نگهداری فرزند را نداشته باشد یا صلاحیت اخلاقی نداشته باشد، دادگاه بعد از هفت سالگی نیز ممکن است حضانت فرزند را به مادرش واگذار کند

## سوال:

یک سوال دیگر این است که من به او پیشنهاد دادم بچه‌ای را که باردار است، سقط کند. می‌خواستم بدانم آیا این کار از لحاظ قانونی امکان‌پذیر است؟

## جواب:

سقط جنین در ایران ممنوع بوده و مجازات دارد و تنها در شرایط خیلی خاص که جان مادر یا جنین در خطر باشد و پزشکی قانونی تایید کند، امکان سقط جنین وجود دارد. ضمن اینکه اگر شوهر خانم موافقت نکند و خانم بدون اجازه او این کار را انجام دهد، ممکن است در دسرهایی برای او ایجاد شود.

# چاره «مستهجن» یا «مبتدل» تهدید به انتشار تصاویر چیست؟

Photo: samwordley/depositphotos.com

موسی برزین

وقتی که یک رابطه دو طرفه عاطفی یا جنسی رو به ضعف نهاده یا پایان می‌یابد مشکلاتی را برای دو طرف ایجاد می‌کند.

مثلا ممکن است یکی از طرفین خواستار ادامه این رابطه باشد در حالی که طرف مقابل تمایلی بدان نداشته باشد. در این حالت بعضا مشاهده می‌شود که فرد متمایل به ادامه رابطه از شیوه‌های غیر اخلاقی و بعضا مجرمانه برای وادار کردن طرف نامتمایل به رابطه استفاده می‌کند که قطعاً در این حالت فردی که تحت فشار و اجبار قرار دارد، متحمل آسیب‌های روحی و روانی بسیار می‌شود.

یکی از این روش‌های غیر اخلاقی تهیه تصویر یا صوت از طرف مقابل هنگام رابطه جنسی یا عاطفی یعنی تهیه و تهدید به انتشار تصاویری است که عرف جامعه آنها را غیر اخلاقی می‌داند.

اگر تهدید کننده به این رفتار خود ادامه دهد فرد تهدید شونده نهایتاً برای رفع تهدید مجبور است از ابزار حقوقی استفاده کرده و از تهدید کننده شکایت کند اما مساله زمانی بغرنج می‌شود که قوانین نفس داشتن رابطه جنسی و عاطفی را ممنوع کرده باشند. مضاعف بر اینکه اگر عرف جامعه نیز رابطه مد نظر را زشت و ناپسند بداند در این حالت تهدید شونده از افشای موضوع بیم داشته و هم تحت فشار اجتماع قرار خواهد گرفت و هم امیدی به برخورد کیفری با تهدید کننده نخواهد داشت.

عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.

به عنوان مثال در حقوق ایران رابطه جنسی خارج از ازدواج ممنوع بوده و دارای مجازات‌های سنگین است. در بسیاری از مناطق ایران نیز داشتن چنین رابطه‌ای مذموم قلمداد می‌شود. مساله زمانی بغرنج‌تر می‌شود که رابطه بین دو همجنس باشد زیرا در قوانین ایران هر گونه رابطه فیزیکی به قصد لذت جنسی بین دو همجنس جرم بوده و دارای مجازات‌های سنگین همچون مجازات مرگ است.

از طرف دیگر گرایش به همجنس از منظر اجتماع در ایران پذیرفته شده نیست و چه بسا افشای چنین گرایشی خانواده و اطرافیان فرد دگرباش را نیز علیه او کند.

در این حالت طبیعتاً اگر فردی از طرف فرد دیگر با انتشار تصاویر خصوصی تهدید شود، سعی خواهد کرد تا این تهدید محرمانه باقی بماند و چه بسا با وجود بی میلی خویش، به رابطه با تهدیدگر ادامه دهد.

به عنوان مثال فردی با خانه امن تماس گرفته و گفته بود مدتی با همجنس خود در ارتباط بوده اما بعد خواهان قطع این ارتباط شده است. شخص طرف رابطه اما به صورت مخفیانه عکس‌هایی برهنه و در حال آمیزش جنسی از او گرفت بوده و مرتب تهدید می‌کرده که اگر به این رابطه ادامه ندهد، عکس‌ها را برای پدر و مادر او می‌فرستد یا در فضای مجازی منتشر می‌کند.

این امر سبب شده بود شخص تماس گیرنده بیش از یک سال در رابطه‌ای اجباری با تهدید کننده باشد و در این یک سال متحمل آسیب‌های روحی و روانی بسیاری شود.

با وجود مطالب مذکور، امکان شکایت کیفری از تهدید کننده وجود دارد. در قوانین ایران گرچه ارتباط جنسی خارج از ازدواج جرم است اما راهکارهایی نیز برای شکایت از فردی که تهدید به انتشار تصاویر خصوصی می‌کند یا این کار را انجام داده است، وجود دارد.

قانون «نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌کنند» (مصوب سال ۶۸۳۱) مقرراتی را در این زمینه پیش‌بینی کرده است.

طبق ماده ۴ این قانون، «هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشا و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید، به مجازات زنا به عنف محکوم می‌شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد، حد مزبور بر وی جاری می‌گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد، به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد.»

مشاهده می‌شود که در این ماده، اعمالی غیر از زنا را نیز مد نظر قرار داده‌اند.

در حقوق ایران ارتباط دو جنس مذکر در قالب لواط و دو جنس مؤنث در قالب مساحقه جرم‌انگاری شده است. بنابراین اگر فردی با تهدید انتشار تصویر خصوصی، فرد دیگر را مجبور به عمل جنسی کند به مجازات عمل جنسی به عنف محکوم می‌شود. در این صورت از آنجا که رابطه از ناحیه قربانی بدون رضایت بوده است، مستلزم مجازات نخواهد بود؛ یعنی صرف تهدید به انتشار تصاویر خصوصی باعث می‌شود رابطه از قالب تمایلی به عنف وارد شود و تهدید شونده دیگر محکوم به مجازات نشود.

همچنین ماده پنج این قانون مصادیق دیگری از تهدید به انتشار تصاویر خصوصی را بیان می‌کند.

بر اساس این ماده، مرتکبان جرایم زیر به دو تا پنج سال حبس و ۰۱ سال محرومیت از حقوق اجتماعی و ۴۷ ضربه شلاق محکوم می‌شوند:

- وسیله تهدید قرار دادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر...

- تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن.

در این ماده ملاحظه می‌شود که اگر رابطه جنسی در نتیجه تهدید انجام نشود نیز جرم محقق می‌شود. یعنی اگر شخصی با تهیه تصاویر مستهجن از شخص دیگری تهدید به انتشار آن کند، مجرم خواهد بود.

قابل ذکر است که بر اساس این قانون «آثار سمعی و بصری» مستهجن «به آثاری گفته می‌شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد یا اندام تناسلی یا نمایش آمیزش جنسی باشد.»

قانون دیگری که به مساله انتشار تصاویر خصوصی پرداخته است، قانون جرایم رایانه‌ای (مصوب سال ۸۸۳۱) است.

طبق ماده ۴۱ این قانون، «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی یا حامل‌های داده، محتویات مستهجن را منتشر، توزیع یا معامله کند یا به قصد تجارت یا افساد تولید یا ذخیره یا نگهداری کند، به حبس از ۱۹ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ۰۴ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

قابل ذکر است آثار مستهجن بر اساس تعریف تبصره چهارم این ماده عبارتند از صوت یا متن واقعی یا غیر واقعی یا متنی که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد یا اندام تناسلی یا آمیزش یا عمل جنسی انسان است.

بنابراین جرم ماده ۴۱ زمانی تحقق می‌یابد که تصویر منتشر شده دارای خصوصیات ذکر شده باشد، اما اگر خصوصیات مذکور در تصویر منتشر شده وجود نداشته باشد (به عنوان مثال تصویری نیمه برهنه از یک فرد منتشر شود)، در این موارد هم قانون جرایم رایانه‌ای مجازات‌هایی را پیش‌بینی کرده است.

آثار مبتدل نیز بر اساس تعریف این قانون به آثاری اطلاق می‌شود که دارای صحنه و صور قبیحه باشد.

در این صورت مرتکب به حداقل یکی از مجازات‌های مذکور در ماده ۴۱ محکوم خواهد شد (تبصره یک ماده ۴۱).

به عبارتی اگر تصاویر منتشر شده مستهجن باشند، قاضی مختار است از حداقل تا حداکثر یکی از مجازات‌های فوق یا هر دو آنها استفاده کند اما اگر تصاویر مبتدل باشند، قاضی باید حداقل حبس یا جزای نقدی مذکور در ماده را حکم کند.

بیشتر بخوانید:

[تکلیف جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج](#)

[ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن](#)

[خانواده‌ام مانع از رفتن من به دانشگاه می‌شوند](#)

حال سوال این است که اگر تصاویر منتشر شده نه مستهجن بوده و نه مبتدل باشند اما انتشارشان به نوعی باعث هتک حیثیت صاحب تصویر شود، حکم قضیه چیست؟

در این مورد نیز ماده ۷۱ قانون جرایم رایانه‌ای مقرراتی را پیش‌بینی کرده است.

طبق این ماده، «هر کس به وسیله سامانه‌های رایانه‌ای یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی یا خانوادگی یا اسرار دیگری را بدون رضایت او جز در موارد قانونی منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد، به نحوی که منجر به ضرر یا عرفاً موجب هتک حیثیت او شود، به حبس از ۱۹ روز تا دو سال یا جزای نقدی از پنج میلیون ریال تا ۰۴ میلیون ریال یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد.»

مساله مهمی که باید به آن توجه شود این است که با توجه به جرم بودن رابطی جنسی خارج از ازدواج در ایران اگر فرد قربانی به نوعی اعتراف به داشتن رابطه جنسی توأم با رضایت کند، احتمال محکومیتش وجود دارد و بنابراین قربانی باید توجه کند که به هیچ وجه در اوراق قضایی و شکوائیه، نباید اقراری مبنی بر داشتن رابطه جنسی با تمایل خود داشته باشد.

به عنوان مثال اگر قربانی ادعا کند که مدتی با تهدید کننده رابطه جنسی داشته و بعد از اینکه رابطه را قطع کرده تهدید شروع شده این نوعی اقرار به رابطه جنسی است که خود مجازات سنگینی دارد.

در نگارش شکوائیه و بازجویی‌ها باید دقت شود که چنین اقراری وجود نداشته باشد.

ضمناً دشواری مساله اثبات باید مد نظر قرار گیرد. اگر تصویر هنوز منتشر نشده است اثبات اینکه فردی چنین تصاویری در اختیار داشته و تهدید به انتشار آنها کرده، دشوار است. بنابراین باید ابتدا حداقل مدارکی در دست قربانی وجود داشته باشد تا اقدام به شکایت کند.

اگر بین قربانی و مرتکب پیام‌های نوشتاری رد و بدل شده است و این پیام‌ها نشانگر تهدید به انتشار تصاویر خصوصی است، می‌توان آنها را به عنوان دلیل به دادسرا ارائه داد اما باید توجه کرد که محتوای این پیام‌ها نباید اقرار به رابطه جنسی توأم با رضایت باشد.

---

## [تکلیف جنین حاصل از رابطه خارج از ازدواج](#)

## سوال:

با سلام خدمت شما.

من از طرف دختر خاله‌ام سوال داشتم. دختر خاله من الان ۷۲ سال دارد. ایشان در ۰۲ سالگی با فشار و اصرار پدر و مادرش ازدواج کرد اما به دلیل مشکلات زیادی که داشتند، طلاق گرفت. به دلیل اینکه ما در یک شهرستان کوچک زندگی می‌کردیم و خیلی حرف و حدیث پشت سر دختر خاله‌ام در می‌آمد، ایشان به تهران رفت و در آنجا ساکن شد و در یک کارگاه خیاطی هم مشغول کار شد.

یک سال پیش او با یک آقای آشنا شد و این آقا به ایشان قول ازدواج داد اما عقد را به بهانه‌های مختلف به تعویق انداخت.

حالا دختر خاله‌ام از این آقا باردار شده اما این آقا باز حاضر به عقد کردن او نیست و می‌گوید مشکلی نیست و بعد از متولد شدن بچه هم امکان عقد کردن وجود دارد. البته بعضی وقت‌ها هم می‌گوید که جنین را سقط کنیم.

من خودم هم با این آقا صحبت کرده‌ام و احساس می‌کنم تعادل روانی ندارد. الان چهار ماه است دخترخاله‌ام باردار است و به خاطر اینکه کسی متوجه نشود، کارش را هم رها کرده و از خانه بیرون نمی‌رود. من در تهران دانشجوی هستم و فقط من از این موضوع باخبرم. یعنی اگر خانواده بفهمند حتی ممکن است دخترخاله‌ام را بکشند. من از شما راهنمایی می‌خواهم. سوالم این است که آیا می‌شود این آقا را طوری به عقد کردن مجبور کرد؟

## جواب:

با سلام!

بر اساس قانون مدنی ایران وعده ازدواج الزام‌آور نیست و نمی‌توان کسی را که وعده داده به ازدواج مجبور کرد. بنابراین دخترخاله شما نمی‌تواند با اقدام قضایی الزام ایشان به عقد را بخواهد حتی اگر بچه متولد بشود و حتی اگر آقا قبول کند که بچه برای اوست.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

## سوال:

اگر بچه متولد بشود وضعیتش چه‌طور می‌شود؟ یعنی مسائل شناسنامه گرفتن و...؟

## جواب:

بر اساس ماده ۷۶۱۱ قانون مدنی ایران، « طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود.»

حکم ماده ۷۶۱۱ اما مورد اختلاف فقها و حقوقدانان قرار گرفته بود و این اختلاف نظرها در رویه قضایی نیز منعکس شده بود به طوری که سال‌ها کودکان متولد شده از یک رابطه غیر نکاح، ناعادلانه از بسیاری از حقوق خود محروم می‌شدند اما خوشبختانه هیات عمومی دیوان عالی کشور در مقام پایان دادن به این اختلافات، در یکی از آراء وحدت رویه خود تفسیر مضیقی از این ماده ارائه داده که این تفسیر تا حد قابل توجهی مشکلات کودکان خارج از نکاح را برطرف کرده است.

در پرونده موضوع این رای وحدت رویه که به دلیل اختلاف نظر در صدور شناسنامه برای اطفال خارج از نکاح صادر شده است، دیوان عالی از لحاظ حق و تکلیف تفاوتی ما بین کودکان مشروع و نامشروع قائل نشده است، به جز در مورد توارث.

بر اساس رای وحدت رویه شماره ۷۱۶ مورخ ۳/۴/۶۷۳۱، « به موجب بند الف ماده یک قانون ثبت احوال مصوب سال ۵۵۳۱، یکی از وظایف سازمان ثبت احوال ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نامشروع تفاوتی قائل نشده است و تبصره ماده ۶۱ و ماده ۷۱ قانون مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد و اتفاق در اعلام ولادت و صدور شناسنامه نباشد یا اینکه ابوی طفل نامعلوم باشد تعیین تکلیف کرده است، لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه ننماید، با استفاده از عموماً و اطلاق مواد یاد شده و مسأله ۳ و مسأله ۷۴ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه، زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده او می‌باشد و حسب ماده ۴۸۸ قانون مدنی، صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است.»

یعنی اگر بچه متولد بشود، امکان اخذ شناسنامه حتی به نام خانوادگی مادر وجود دارد اما به هر حال اگر پدرش بچه را قبول نکند و تعلق

آن را به خود انکار کند، در این صورت مادر بچه باید دعوای اثبات نسب مطرح کند. در این صورت دادگاه مساله را برای آزمایش دی.ان.ای به پزشکی قانونی ارسال می کند و بعد رای به نسبت می دهد. توجه کنید که در هر صورت مشکلاتی برای فرزندان که خارج از ازدواج متولد می شوند، وجود دارد.

بیشتر بخوانید:

[ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن](#)

[بدرفتاری با « همسر موقت » چه حکمی دارد؟](#)

[به بهانه های مختلف نمی گذارد بچه دار شویم](#)

**سوال:**

به نظر شما اگر جنین سقط شود بهتر نیست؟ آیا امکان اینکه قانونی این کار انجام شود وجود دارد؟

**جواب:**

عرض شود که ما نمی توانیم در این مورد توصیه ای داشته باشیم و پیشنهاد سقط جنین را بدهیم اما از لحاظ حقوقی سقط جنین فقط در موارد خاصی که جان مادر یا کودک در خطر است با تشخیص پزشکی قانونی و حکم دادگاه امکان پذیر است. یعنی دخترخاله شما به هیچ وجه نمی تواند به صورت قانونی اقدام به سقط جنین کند.

**سوال:**

اگر جنین را سقط کنیم می توانیم علیه این آقا شکایت کنیم؟

**جواب:**

متأسفانه در حقوق ایران چنین امکانی پیش بینی نشده است. البته شکایت در قالب زنا امکان پذیر است اما چون دختر خاله شما با رضایت خودش اقدام به رابطه جنسی کرده است، در صورت شکایت خودش هم با مشکل مواجه خواهد شد. ضمن اینکه صرف بچه دار شدن در حقوق ایران زنا را اثبات نمی کند.

به طور کلی شکایت کردن در قالب زنا پیشنهاد نمی شود.

## [ترک طولانی مدت خانه و اثر آن بر حقوق زن](#)

Photo: stockyimages/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام!

من خانمی هستم ۷۳ ساله و دو فرزند دختر هم دارم که یکی ۳۱ سال دارد و دیگری هشت سال. شوهر من تقریباً هشت سال است که در خانه نیست. یعنی مدتی به دبی رفت و در آنجا کار کرد، پس از آن مدتی در تهران بود و بعدش هم رفت مشهد و آخر سر رفت ترکیه. یعنی در این هشت سال آخر روی هم رفته دو، سه ماهی بیشتر خانه نبوده است. من مجبور شده ام در خانه مادر شوهرم زندگی کنم چون توان پرداخت اجاره خانه را نداشتم.

شوهرم هر از چند گاهی مقداری پول برای ما می فرستد که آن هم کفاف هزینه‌ها را نمی‌کند. هر موقع هم به او اعتراض می‌کنم می‌گوید چه کار کنم؟ مجبورم بروم دنبال کار.

این رفتار ایشان مرا از خیلی نظرها دچار مشکل کرده است. من مجبور هستم کارهای مادر شوهرم را هم انجام بدهم چون در خانه او هستم. بچه‌هایم مرتب سراغ پدرشان را می‌گیرند و هر کسی در مدرسه و جاهای دیگر در مورد پدرشان می‌پرسد، چند روز ناراحت می‌شوند. خودم هم نمی‌دانم شغل او دقیقا چیست. بعضی وقت‌ها می‌گوید در کار فرش است، بعضی وقت‌ها می‌گوید کارهای توریستی می‌کند....

خلاصه من در بد وضعیتی قرار گرفته‌ام. خانواده خودم هم هیچ اهمیتی نمی‌دهند و می‌گویند باید بسوزی و بسازی. فقط برادرم به ما پول می‌دهد. از لحاظ روحی و جسمی هم خیلی به هم ریخته‌ام. حتی خود مادر شوهرم می‌گوید پسر من به درد زندگی نمی‌خورد. واقعیتش مانده‌ام چه کار کنم. با مشورت با برخی دوستان فکر طلاق به ذهنم رسیده است چون دیگر بیشتر از این نمی‌توانم تحمل کنم. می‌خواستم در این مورد از شما راهنمایی بگیرم.

آیا اینکه شوهرم به خانه نمی‌آید دلیلی برای طلاق می‌شود؟

**جواب:**

سلام خانم محترم!

قبل از پاسخ حقوقی به سوال شما پیشنهاد می‌کنم حتما از یک مشاور خانواده هم مشورت بگیرید، چون احساس می‌کنم در تصمیمتان تردید دارید. برای اینکه بخواهید طلاق بگیرید ابتدا باید تصمیمتان جدی باشد چون با شک و تردید اقدام کردن نتایج روانی و روحی خوبی نخواهد داشت.

اما از لحاظ حقوقی خدمتتان عرض شود که بند یک تبصره الحاقی به ماده ۳۱۱ قانون مدنی ترک زندگی خانوادگی از سوی زوج حداقل به مدت شش ماه متوالی یا ۹ ماه متناوب در مدت یک سال بدون عذر موجه را از مصادیق عسر و حرج دانسته است.

با توصیف شما به نظر می‌رسد شوهر شما در هر سال در مدت‌های مذکور در خانه نبوده است و به همین دلیل شما می‌توانید با استناد به عسر و حرج، تقاضای طلاق کنید.

برای تقاضای طلاق باید به دادگاه خانواده بروید و برای اثبات اینکه ایشان مدت‌هاست خانه را ترک کرده است، می‌توانید از افراد مطلع استشهاده بگیرید و دختر بزرگتان را هم می‌توانید به عنوان شاهد معرفی کنید.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

**سوال:**

در توضیح شما گفته شده که باید ترک خانه بدون عذر موجه باشد. شوهر من ادعا دارد برای خانواده کار می‌کند و بعضی وقت‌ها هم پول می‌فرستد. آیا به نظر شما اگر ایشان در دادگاه بگویند که من برای کار کردن مجبورم خانه را ترک کنم، قاضی به نفع من رای می‌دهد؟

**جواب:**

دادگاه قطعا علت ترک خانه را بررسی خواهد کرد و شوهر شما هم می‌تواند از خود دفاع کند اما با توجه به اینکه ایشان مدتی طولانی اقدام به ترک خانه کرده و مبالغی که فرستاده نیز چندان قابل توجه نبوده است، احتمال اینکه دادگاه تقاضای شما را بپذیرد زیاد است.

در این مورد احکام متعددی صادر شده که برای نمونه بنده یک مورد را اینجا می‌نویسم تا اگر با مشکلی مواجه شدید، به آن استناد کنید:

به موجب دادنامه شماره ۷۹۱ مورخ ۳۲/۴/۲۸ صادره از شعبه ۰۳ دیوان عالی کشور، شعبه ۰۱۷۱ دادگاه خانواده تهران، با وجود اعتراف تلویحی و کیل زوج مبنی بر ترک خانه و زندگی به دلیل سوء اخلاق زوجه و همچنین نظریه داوران مبنی بر عدم حصول سازش، به دلیل پرداخت نفقه زوجه و فرزندانش به شرح فیش‌های ارائه شده که این نیز دلیلی بر ترک زندگی خانوادگی است، دعوی زن را مبنی بر تقاضای طلاق مردود اعلام و او را ملزم به تمکین از شوهر کرده است.

با اعتراض زوجه دادگاه تجدید نظر به موجب دادنامه ۵۵۳-۴۲/۱۱/۱۸، مفارقت جسمانی زن و شوهر را در مدتی طولانی از مصادیق «کالمطلقه بودن زوجه» دانسته و با احراز عسر و حرج زوجه، دادنامه بدوی را نقض کرده است.

دیوان عالی کشور نیز به موجب دادنامه فوق‌الاشعار، مفارقت جسمانی طولانی زوجین از یکدیگر را دلیل بر عسر و حرج زوجه در ادامه زندگی مشترک دانسته و دادنامه فرجام خواسته را تأیید و ابرام کرده است.

به موجب دادنامه شماره ۰۱ - ۸۲ / ۷ / ۰۸، شعبه ۷۳ دیوان عالی کشور، دادنامه مرجع تجدید نظر را که در تأیید دادنامه صادره از شعبه ۲۰۷۱ دادگاه خانواده صادر شده است، ابرام کرده است. تقاضای طلاق به عنوان عسر و حرج و به علت غیبت خوانده و عدم پرداخت نفقه در دادگاه بدوی مطرح و دادگاه با ارجاع امر به داوری و عدم حصول نتیجه در جهت اصلاح ذات‌البین و گواهی گواهان و نتیجه تحقیقات واحد مددکاری اجتماعی که مؤید اظهارات خواهان در خصوص ترک زندگی مشترک و عدم پرداخت نفقه است، گواهی عدم امکان سازش را در غیاب زوج صادر کرده است.

وکیل زوج با قبول غیبت زوج، دلیل غیبت را بده‌کاری و مطالبه طلبکاران و در نتیجه اضطراری و اجباری دانسته است. اعتراض وکیل در دادگاه تجدید نظر و دیوان عالی کشور مردود و در نهایت رأی دادگاه بدوی ابرام گردیده است.

بیشتر بخوانید:

[جایگاه قاضی مشاور زن در دعاوی مرتبط با خشونت خانگی](#)

[بدرفتاری با «همسر موقت» چه حکمی دارد؟](#)

[به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارد بچه‌دار شویم](#)

**سوال:**

اگر دادگاه حکم طلاق بدهد، وضعیت بچه‌ها و هزینه‌های آنان چه می‌شود؟

**جواب:**

در مورد حضانت مشکلی وجود نخواهد داشت چون دختران بعد از ۹ سالگی از سن حضانت خارج می‌شوند و خودشان می‌توانند تصمیم بگیرند با چه کسی زندگی کنند. دختر هشت ساله شما هم احتمالاً چند ماه دیگر به ۹ سال قمری خواهد رسید.

در مورد هزینه‌ها به هر حال پدر بچه‌ها مسئول پرداخت نفقه آنان خواهد بود.

---

## [جایگاه قاضی مشاور زن در دعاوی مرتبط با خشونت خانگی](#)

Photo: photography33/depositphotos.com

موسی برزین

ماهیت دعاوی حقوقی و کیفری مربوط به خشونت خانگی اقتضا می‌کند که آیین دادرسی متفاوت‌تری نسبت به سایر دعاوی پیش‌بینی شود. از همین رو قانونگذار در سال ۱۹۳۱ پس از سال‌ها تأخیر به این مسأله توجه و در قانون حمایت خانواده مقررات شکلی خاصی نسبت به دعاوی خانوادگی پیش‌بینی کرد.

این مقررات اما صرفاً در مورد دعاوی خانوادگی صادق است و دعاوی کیفری ناشی از خشونت خانگی را در بر نمی‌گیرد. به همین دلیل می‌توان گفت قانونگذاران ایران تاکنون نتوانسته‌اند مقررات شکلی خاص و منسجمی درباره تمامی دعاوی خشونت خانگی پیش‌بینی کنند و این امر در عمل باعث به وجود آمدن مشکلاتی در دادرسی‌های مربوط به خشونت خانگی شده است.

به عنوان مثال چندی پیش خانمی میانسال در تماس با مرکز مشاوره خانه امن گفت که دختر ۳۱ ساله‌اش از طرف پدر مورد آزار و اذیت



جنسی قرار گرفته است.

بر اساس گفته‌های این خانم آزار جنسی در حد زنا نبوده اما این که زنا صورت گرفته باشد نیز کلاً منتفی نیست. او خود به چشم خود این مساله را ندیده اما دخترش اظهار کرده که پدرش او را مورد آزار و اذیت جنسی قرار داده است.

از سوی دیگر پسر هشت ساله آنها نیز شاهد این آزارهای جنسی بوده است.

به هر حال خانم تصمیم می‌گیرد از شوهرش به این دلیل شکایت کند. او به دادسرا می‌رود اما مسئولان ایشان را به چند مرجع مختلف می‌فرستند. بر اساس اظهارات این خانم، «بسیار آزاردهنده است که مجبور باشی داستان را نزد مراجع مختلف تعریف کنی.»

به هر حال مساله به دادگاه کیفری استان ارجاع می‌شود و آقا همراه وکیل خود حاضر شده و مساله را انکار می‌کنند.

### عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.

دلیل خانم صرفاً اظهارات خود دختر و پسر هشت ساله بوده است. در دادگاه پنج قاضی مرد حضور داشته‌اند و دختر خانم ۳۱ ساله از بیان مساله ترس و شرم داشته است.

صرف نظر از کذب و صدق مساله، اینکه دختری ۳۱ ساله در حضور چند مرد واقعه را با جزئیات امر تعریف کند قطعاً بسیار دشوار و تقریباً ناممکن است. از آنجا که نوع و جزئیات تعرض جنسی باید دقیقاً مشخص شود، شاید یک دختر ۳۱ ساله نتواند منظور خود را برساند. به همین دلیل قطعاً لازم است که در جلسه دادگاه قضات مشاور زن و حتی روان‌شناسان زن هم حضور داشته باشند.

بدیهی است که در چنین شرایطی، دختر می‌تواند اظهارات خود را بهتر و راحت‌تر بیان کند.

یکی از مقررات مهم و اساسی در دعاوی خانوادگی حضور قضات و مشاوران زن در دادگاه‌هاست.

بر اساس حقوق ایران، قضاتی که حق صدور رای دارند الزاماً بایستی مرد باشند و زنان نمی‌توانند به عنوان قاضی به قضاوت بپردازند.

این حکم برگرفته شده از شرع باعث شده است تا نقش و جایگاه سازنده زنان در دادگاه‌هایی که به امور خانوادگی و خشونت خانگی رسیدگی می‌کنند نادیده گرفته شود در حالی که دست‌کم در دعاوی خانوادگی حضور قضات زنان تاثیر بسیار مهمی در منصفانه بودن دادرسی خواهد داشت.

به هر حال قانونگذار در ایران در سال ۱۹۳۱ مقررهای را پیش‌بینی کرد که بر اساس آن حضور قاضی مشاور زن در جلسات محاکم خانواده الزامی است و قاضی صادر کننده رای باید نظر قاضی مشاور زن را در دادنامه منعکس کند.

بر اساس ماده دو این قانون: «دادگاه خانواده با حضور رئیس یا دادرسی علی‌البدل و قاضی مشاور زن تشکیل می‌شود. قاضی مشاور باید ظرف سه روز از ختم دادرسی به طور مکتوب و مستدل در مورد موضوع دعوی اظهار نظر و مراتب را در پرونده درج کند. قاضی انشاء کننده رأی باید در دادنامه به نظر قاضی مشاور اشاره و چنانچه با نظر او مخالف باشد، با ذکر دلیل نظریه او را رد کند.»

این ماده گرچه گامی مثبت در دادرسی‌های مربوط به خانواده است اما ایراداتی هم دارد:

اول اینکه قاضی‌های مشاور زن نقش مشاور را داشته و در تصمیم‌گیری نهایی نقشی ندارند.

دوم اینکه حضور قضات مشاور فقط در دادگاه‌های خانواده پیش‌بینی شده است در حالی که در دادگاه‌های حقوقی و کیفری هم احتمال طرح دعاوی مرتبط با مسائل خانوادگی و خشونت خانگی وجود دارد.

سوم اینکه این مقرره صرفاً در مورد دادگاه‌های بدوی است. یعنی در دادگاه‌های تجدید نظر و دیوان عالی که حکم قطعی صادر می‌شود، وجود قضات مشاور زن الزامی نیست.

با وجود این نقیضه‌ها اما وجود چنین مقرره‌ای در قانون نکته‌ای مثبت قلمداد می‌شود؛ لیکن تبصره این ماده در عمل صدر ماده را بی‌اثر کرده است.

بر اساس این تبصره، «قوه قضاییه موظف است حداکثر ظرف پنج سال به تأمین قاضی مشاور زن برای کلیه دادگاه‌های خانواده اقدام کند و در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشند، استفاده کند.»

بیشتر بخوانید:

[بدرفتاری با «همسر موقت» چه حکمی دارد؟](#)

[به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارد بچه‌دار شویم](#)

[خانواده‌ام مانع از رفتن من به دانشگاه می‌شوند](#)

آنچه از این تبصره برداشت می‌شود این است که قوه قضاییه پنج سال مهلت دارد این ماده را اجرایی کند و با توجه به لفظ «می‌تواند» در این تبصره، استفاده از مشاور مرد هم برای دادگاه الزامی ندارد.

در این مورد یک نظریه مشورتی از اداره حقوقی قوه قضاییه صادر شده است که تفسیر فوق را تایید می‌کند.

این نظریه می‌گوید: «پس از تشکیل دادگاه‌های خانواده موضوع ماده یک قانون حمایت خانواده (مصوب اول اسفند ۱۹۳۱) به نظر می‌رسد گرچه صدر ماده دو، تشکیل این دادگاه را مستلزم حضور قاضی مشاور زن دانسته است، اما تبصره این ماده استثنایی بر متن است که بر اساس آن قوه قضاییه ظرف پنج سال باید قاضی مشاور زن را برای کلیه دادگاه‌های خانواده تأمین کند و در ادامه این تبصره مقرر شده است: «در این مدت می‌تواند از قاضی مشاور مرد که واجد شرایط تصدی دادگاه خانواده باشد استفاده کند». به کار بردن کلمه «می‌تواند» حاکی از اختیار قوه قضاییه است و بنابراین مادامی که قاضی مشاور زن (ظرف پنج سال) به تعداد کافی تأمین نشده است، قوه قضاییه مکلف نیست الزاما از قاضی مشاور مرد استفاده کند بلکه قانونگذار با آگاهی از مشکلات قوه قضاییه در تأمین قاضی مشاور مرد، این امر را الزامی نکرده است. در نتیجه در طول این پنج سال امکان تشکیل دادگاه‌های خانواده بدون قاضی مشاور زن و مرد وجود خواهد داشت. «(نظریه شماره ۷/۸۳۳ - ۲۹/۲/۴۲ - ۷/۸۳۳)

اگر به رویه موجود در محاکم خانواده هم دقت شود متوجه می‌شویم در اکثر دادگاه‌های خانواده قضات مشاور زن وجود ندارد و در برخی دادگاه‌ها هم که موجود است، مساله صرفا جنبه نمایشی و تشریفاتی پیدا کرده و مقصود و هدف قانونگذار از ایجاد چنین نهادی ناقص و ابتر مانده است.

در توجیه چنین عملکردی مسئولان قضایی و اداری (منبع) به نبود بودجه کافی برای جذب قضات مشاور زن اشاره می‌کنند. این در حالی است که در کشور صدها دانشکده حقوق وجود داشته و هزاران زن فارغ‌التحصیل رشته حقوق در انتظار رسیدن به شغل هستند.

از سوی دیگر استخدام عده‌ای در سمت قاضی مشاور، بودجه و هزینه قابل توجهی نمی‌طلبد.

در نهایت می‌توان نتیجه گرفت که با وجود پیش‌بینی حضور قضات مشاور زن در محاکم خانواده و صرف‌نظر از ایرادات جدی در این مقرر، دستگاه قضایی در عمل این مقرر را نادیده گرفته که این امر به تضييع بیشتر حقوق قربانیان خشونت خانگی انجامیده است.

## [چه حکمی دارد؟ «همسر موقت» بدرفتاری با](#)

Photo: Nikodash/depositphotos.com

موسی برزین، وکیل خانه امن

**سوال:**

سلام!

من یک خانمی هستم ۰۴ ساله که در سن ۸۲ سالگی ازدواج کردم اما چون شوهرم معتاد بود و خیلی هم با من بدرفتاری می‌کرد، دو سال بعدش از او طلاق گرفتم و به خانه پدرم رفتم.

در مدتی که در خانه پدرم بودم خیلی تحت فشار بودم. چند بار رفتم سر کار اما برایم مشکل ایجاد شد. طوری شده بود که فکر می‌کردم همه به من نگاه بد دارند. خلاصه دو سال پیش با مردی ۰۵ ساله آشنا شدم که همسرش فوت کرده بود.

بعد از مدتی صحبت کردن ایشان به من پیشنهاد ازدواج موقت داد. ایشان دو دختر دانشجو و یک پسر ۳۱ ساله داشت و من با وجود اینکه می‌دانستم فرزندانم راضی به ازدواج نیستند به دلیل اینکه از فشار اطرافیان خلاص بشوم با او ازدواج کردم و به خانه‌اش رفتم.

قرارداد ازدواج ما عقد موقت پنج ساله است.

من خیلی سعی کردم محبت بچه‌های او را به دست آورم اما آنها هیچ‌وقت من را قبول نکردند و همین باعث مشکلات زیادی شده است.

شوهرم خیلی به حرف بچه‌هاش گوش می‌دهد. پسرش خوب است و هیچ مشکلی با من ندارد اما دو دخترش مرتباً پدرشان را تحریک می‌کنند. صبح تا شب در خانه کار می‌کنم و از بچه‌هایش نگهداری می‌کنم اما شوهرم با من بد رفتار شده است. می‌گوید تو بچه‌ها را اذیت می‌کنی و در خانه تشنج ایجاد کرده‌ای.

من بارها خواسته‌ام برگردم خانه پدرم اما اگر این کار را بکنم دیگر خیلی بدتر از قبل می‌شود.

یک بار به مادرم گفتم اینجا راحت نیستم که گفت باید بسوزی و بسازی چون اگر برگردی دیگر آبرو برایمان نمی‌ماند. یعنی حاضر نیستند من برگردم آنجا. خلاصه خیلی درمانده و خسته شده‌ام و اصلاً نمی‌توانم ادامه بدهم. اینجا تبدیل به یک خدمتکار شده‌ام و هر روز هم از طرف شوهرم و بچه‌هایش تحقیر می‌شوم. دو دخترش به من فحش و ناسزا می‌گویند و شوهرم هم سرکوفت می‌زند که تو یک زن مطلقه بوده‌ای و من پناهت دادم. اگر من نبودم معلوم نبود الان کجا بودی و از این حرف‌های زننده. من از شما راهنمایی می‌خواهم. به نظرتان چه کار باید بکنم؟ آیا می‌توانم طلاق بگیرم؟

بیشتر بخوانید:

[به بهانه‌های مختلف نمی‌گذارم بچه‌دار شویم](#)

[خانواده‌ام مانع از رفتن من به دانشگاه می‌شوند](#)

[بد رفتاری با فرزند خوانده](#)

**جواب:**

سلام خانم محترم.

متأسفیم از مشکل پیش آمده.

متأسفانه در موارد قابل توجهی، ازدواج مجدد خانم‌ها به دلیل فشار اطرافیان و جامعه صورت می‌گیرد و این بعدها مشکلاتی را ایجاد می‌کند. به هر حال اگر فکر می‌کنید در آن خانه راحت نیستید و امکان داشتن زندگی‌ای مثبت و سالم را ندارید و از طرف دیگر جایی هم برای رفتن ندارید، با شماره ۳۲۱ که مربوط به اورژانس اجتماعی سازمان بهزیستی است تماس گرفته و تقاضای اعزام به خانه امن شوید.

سازمان بهزیستی در برخی شهرستان‌ها خانه‌هایی دارد برای اسکان زنانی که پناهگاهی نداشته و قربانی خشونت شده‌اند. در این اماکن برخی قربانیان خشونت خانگی به صورت موقت نگهداری می‌شوند.

در مورد سولتان درباره اینکه آیا به زندگی مشترک ادامه دهید یا نه، بهتر است با یک مشاور خانواده مشورت کنید اما به هر حال ادامه چنین شرایطی می‌تواند تبعات روحی و روانی جبران ناپذیری برای شما داشته باشد.

در مورد طلاق اما عرض شود که طلاق نهادی است در عقد دائم. در عقد موقت مبحث طلاق مطرح نمی‌شود و پس از انقضای مدت، عقد خود به خود خاتمه می‌یابد. اصولاً قبل از انقضای مدت خانم نمی‌تواند مانند عقد دائم به دادگاه رفته و تقاضای طلاق کند اما اگر زن در وضعیت عسر و حرج قرار بگیرد، برخی محاکم خانواده این امکان را به زن می‌دهند که تقاضای الزام شوهر به بذل مدت بکند.

بر طبق یک نظریه مشورتی از اداره حقوقی قوه قضاییه، «هر چند تحقق عسر و حرج در مورد ازدواج‌های موقت مشکل و غالباً غیرمتصور است - زیرا که در غالب موارد ازدواج‌های موقت، زوجه تا حدودی از آزادی بیشتری برخوردار بوده و حقوق و تکالیفی که در ازدواج دائم بر عهده زن است، در ازدواج موقت نیست یا خیلی کمتر است - اما در عین حال چنانچه در مواردی زوجه با عسر و حرج (حرجی بودن ادامه زوجیت) روبه‌رو شود و این موضوع بر دادگاه ثابت گردد، در این صورت دادگاه می‌تواند از ملاک ماده ۰۳۱۱ قانون مدنی تنقیح

مناطق { ابهام زدایی } نموده و حکم به اجبار زوج به بذل بقیه مدت متعه و در صورت میسر نشدن این امر، حکم به انحلال زوجیت و قطع بقیه مدت نکاح موقت صادر نماید.»

### سوال:

آیا من موظف هستم که از بچه‌های ایشان نگهداری کنم؟ واقعیتش ما در این مورد حرف زده بودیم و من هم قبول کرده بودم که از بچه‌ها نگهداری کنم اما نمی‌دانستم که وضعیت این‌طور است. یعنی دخترهایش حتی لباس‌هایشان را خودشان در کمند نمی‌گذارند و من باید این کارها را بکنم، مثل یک خدمتکار ۴۲ ساعته. دو بار هم به شوهرم گفتم اما ایشان در جواب گفتند فکر کردی که می‌آیی اینجا می‌خوابی و استراحت می‌کنی.

### جواب:

با وجود توافقتان شما مجبور به نگهداری از بچه‌های ایشان نیستید. تنها وظیفه‌ای که قانون در عقد موقت برای زن پیش‌بینی کرده است، تمکین خاص از شوهر است. تمکین خاص یعنی برقراری ارتباط جنسی.

پس شما به هیچ وجه مجبور به انجام کارهای فرزندان شوهرتان نیستید.

[عضو کانال تلگرام خانه امن بشوید.](#)

### سوال:

برای جدا شدن حتما باید به دادگاه بروم؟ واقعیتش من چون قبلا یک بار تجربه طلاق داشتم اصلا خاطره خوشی از دادگاه ندارم. اگر همین‌طور خانه را ترک کنم و بروم، مشکلی پیش می‌آید؟

### جواب:

اگر شوهرتان با بذل مدت باقی‌مانده موافقت نکند چاره‌ای جز رفتن به دادگاه ندارید.

اگر قصد جدایی شما قطعی است، بهتر است با شوهرتان صحبت کنید و از او بخواهید تا با بذل مدت، عقد موقت را منحل کند. در این صورت احتیاجی به رفتن به دادگاه نیست. اما اگر به هر دلیلی راضی نشد، می‌توانید خانه را ترک کنید و به دادگاه هم نروید. فقط در این صورت شما تا پایان پنج سال متاهل محسوب شده و نمی‌توانید دوباره ازدواج کنید.

همچنین اگر به این طریق خانه را ترک کنید، شوهرتان می‌تواند تقاضای الزام به تمکین کند و اگر شما تمکین نکردید، حق نفقه نخواهید داشت و مهریه‌ای هم که تعیین کرده‌اید به شما تعلق نخواهد گرفت.